



● چند نکته راجع به

«روضه الانوار» خواجه جوی کرمانی

■ دکتر ساجدالله تفهیمی - بخش فارسی دانشگاه کراچی (پاکستان)

● شبه قاره هند و پاکستان این افتخار را دارد که نخستین خمسه

به استقبال خمسه نظامی، توسط شاعر

ناپغه آن سرزمین «امیر خسرو دهلوی» به وجود آمد

اشاره: آنچه در زیر می‌خوانید تحقیق با ارزشی است که به وسیله آقای دکتر ساجدالله تفهیمی (از بخش فارسی دانشگاه کراچی) در مورد روضه الانوار خواجه جوی کرمانی انجام و برای ما ارسال شده است. لازم به توضیح است که برای حفظ اصالت نشر و شیوه نگارش، ترجیح دادیم هیچگونه تغییری در لغات - و حتی در رسم الخط - مطلب ایجاد نشود.

● این مقاله به مناسبت کنگره جهانی بزرگداشت خواجه جوی کرمانی که در ماه اکتبر ۱۹۹۱ م. با اهتمام دانشگاه شهید باهنر کرمان، در شهر کرمان برگزار گردیده، نوشته شده بود.

شاعر بزرگوار کمال الدین ابوالعلا محمود معروف به خواجه جوی کرمانی از اشخاص برجسته‌ای است که در زمان خود و بعد در آسمان تاریخ ادبی و فرهنگی ملتهای اسلامی جهان مانند ستارگان روشن می‌درخشیده‌اند؛ و خدمات ادبی و فرهنگی ایشان در اقامت سنتهای براننده ادبی و فرهنگی و در تحکیم و تسلسل آنها در طی قرن‌های بعدی از عوامل مؤثر بوده است.

این شخصیت بزرگوار نه تنها برای ملت نجیب ایرانی بلکه سایر ملل شریفه‌ای که در ترویج و تعالی و پیشرفت زبان و ادب فارسی سهمی کمتر از خود ایرانیان نداشته‌اند، به ویژه ملت اسلامی شبه قاره پاکستان و هند، موجب شرف و افتخار است برای اینکه او مانند سنایی، غزنوی و عطّار نیشابوری و سعدی شیرازی و مولانای رومی و حافظ شیرازی و جامی و شعری برگزیده دیگر، مورد پسند و قبول خاطر و طرف استفاده و تمذیح اکثر شعرا و علاقمندان زبان و ادب فارسی آن ملت‌ها بوده است.

خواجه جوی کرمانی از حیث شاعریت‌ها و ویژگی‌های متنوع دارد که یکی از آنها اینست که او مورد تئیم و استقبال شایسته عده کثیری از شعرای بعدی، قریب العصر و بعد الزمان ایران و زبان فارسی قرار می‌گرفته است. سبک جالب و شیوا و مؤثر و شیرین شعر خواجه جوی شاعر هم‌زمان و بی‌همتا لسان الفیاب حافظ شیرازی را تحت تاثیر شدیدی قرار داده و او را وادار ساخته که افتخار پیروی از طرز سخن خواجه جوی را در شعر معروف و منسوب به خود چنان ابراز بنماید:

استاد سخن سعدیست پیش همه کس اما
دارد سخن حافظ طرز سخن خواجه

از سایر ویژگی‌های خواجه جوی اینست که او در تئیم نظامی گنجوی، «خمسه» سروده نظامی گنجوی در اواخر قرن ششم هجری با سرودن خمسه بابی برای سنجش قریحه شعری و اظهار فضیلت علمی و ادبی جلو اساتید شعرای سایر ادوار بعدی باز کرده است؛ و در نتیجه آن عده قابل توجهی از شعرای بزرگ فارسی ایران و شبه قاره از این باب در آمده خمسه‌ها گفتند: «ضمنا ناگفته نماند که شبه قاره پاکستان و هند این عز و افتخار را دارد که نخستین خمسه به استقبال خمسه نظامی، در حدود سالهای ۶۹۸ تا ۷۰۱ هجری توسط شاعر ناپغه معروف

فارسی آن سرزمین بنام امیر خسرو دهلوی (م - ۷۲۵ هـ) به وجود آمد. در ایران اولین کسی که جوابر خمسه نظامی را نوشت، جلال فراهانی (م - ۷۳۶ هـ) می‌باشد^۲ خواجه جوی کرمانی این شرف و افتخار را دارد که دومین خمسه در ایران و سومین خمسه در جهان، در پیروی نظامی سروده که شامل مثنویات زیر است:

- ۱- هما و همایون (در ۷۳۲ هـ)
- ۲- گل و نرروز (در ۷۴۲ هـ)
- ۳- کمال نامه (در ۷۴۴ هـ)
- ۴- روضه الانوار (در ۷۴۳ هـ)

۵- گهرنامه

مخزن الاسرار که معروف ترین مثنویات خمسه نظامی و در موضوع تصوف و اخلاق می‌باشد، از مهمترین و متداول ترین آثار منظوم فارسی، و در حوزه‌های صوفیه و سرائندگان عرفانی و دانشمندان زبان و ادب فارسی، بیشتر از آثار دیگر نظامی مورد قبول و استفاده بوده است. وزن استوار و سبک شیرین و شیوا و جذاب آن، شعرای ادوار بعدی را وادار ساخت تا در جواب آن بیش از صد مثنوی در ایران و شبه قاره به وجود آورند. خواجه جوی کرمانی مثنوی «روضه الانوار» را در پیروی «مخزن الاسرار» تالیف کرد؛ و همین مثنوی موضوع مقاله حاضر است. اما چون فرصتی کافی برای بحث مفصل و بررسی دقیق آن در اختیار ما نیست لهذا در این مختصر فقط به ایراد بعضی از نکات برجسته اکتفا می‌کنیم.

□ خواجه مانند سایر شعرای که مثنویات در تئیم «مخزن الاسرار» نظامی سروده‌اند، طرح تالیف «روضه الانوار» را بر وزن (بحر سریع مدس مطوی مکشوف/موقوف = مقامل متعادل فاعل/فاعلان) و ترتیب و تبویب و سبک «مخزن الاسرار» ریخته است. هر دو مثنوی علاوه بر فصول مقدماتی (آغاز و مناجات و نعت و مدح و نظم و سبب نظم کتاب و غیره) - بر بیست مقاله به عناوین مختلف و بیست حکایت و خاتمه مشتمل است^۳ بدین ترتیب که در پایان هر مقاله حکایتی به مناسبت موضوع مورد بحث قرار دارد. تعداد فصول مقدماتی باختلاف در «مخزن الاسرار» نوزده و در «روضه الانوار» شش می‌باشد؛ بدین قرار:

عنوان	تعداد فصول
(آغاز)	روضه الانوار
مناجات	یک
نعت	یک
مدح	یک
سبب نظم کتاب	یک
موضوعات دیگر	ندارد

مجموعه: نوزده شش
روضه الانوار مانند مخزن الاسرار بطور کلی در موضوع اخلاق و تصوف و حاوی نکات عمده و دقیق اخلاقی و اشارات جالب و لطیف عرفانی می‌باشد. بیشتر موضوعات در هر دو مثنوی جنبه‌های مشترک دارد؛ مانند فضیلت سخن، پرورش و تصفیه دل، آفرینش جهان، حوادث عالم و انقلابات امور، پیری و جوانی، فضیلت و شرف و کمال انسانیت، صفات طبیعی انسان، نگویش جهان، تجرید و تفرید، وحدت و توحید، مذهب اخلاقی زبده، توصیف و تلقین اوصاف پسندیده و غیره.

البته هر دو شاعر بزرگوار این موضوعات را به سبک ویژه خود به معرض سخن در آورده‌اند؛ و با وجود اشتراك در اکثر موضوعات، خواجه ظاهرا در ادراك و ایراد معانی و مطالب، خود را از تقلید نظامی باز داشته است؛ چنانکه او در «سبب نظم کتاب و صفت رباعین» در ضمن «مژده جانان» می‌گوید:

گرچه سخن پرورد نامی تویی معتقد نظم نظامی نویسی
در گذر از «مخزن اسرار» او برگذر از جدول و سرکار او
خازن مخزن دل دانای تست محرم اسرار خرد رای تست
خیز و از آن پرده نوایی بساز برخط آن خطه سراسی بساز
«مخزن اسرار» حقیقیش دان «روضه انوار» السهیش خوان^۴

البته نکته مهم و قابل توجه درین مورد اینست که «روضه الانوار» جنبه اخلاقی و عرفانی را بیشتر از «مخزن الاسرار» دارد؛ و ظاهرا علتش بعد زمانی در تالیف و اختلاف چگونگی اوضاع عمومی ادوار آنها می‌باشد. «مخزن الاسرار» در زمانی پیش از فتنه تاناز در سال ۵۷۶ هـ سروده شده و حامل مضامین و مطالب اخلاقی و عرفانی ساده و متداول عصر خود است؛ در صورتی که «روضه الانوار» که پس از خاموش شدن آن فتنه، در سال ۷۴۳ هـ تالیف گردیده و بطور طبیعی دارنده و نماینده آن احوال و کیفیات روحانی و تمایلات ذهنی و فکری و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌باشد که در نتیجه تاثیرات شدید و محکم و پاینده آن فتنه، تا عصر خواجه جوی در زمینه‌های تصوف و اخلاق و علوم دیگر و بتوسط آنها مخصوصا در ادبیات شعری وارد گردیده و تداول پیدا کرده بود.

□ نکته مهم دیگری در ضمن مقایسه هر دو مثنوی اینست که در «مخزن الاسرار» فقط دو از بیست حکایت راجع به اشخاص دوره اسلام (سلطان سنجر و هارون الرشید) و شش حکایت

متعلق به اشخاص زمان قبل از اسلام (- نوشریان و فریدون و جمشید و موبد و حضرت سلیمان علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام) آمده و دوازده بقیه (داستان پادشاه نوید و داستان پیرخشت زن و داستان سگ و صیاد و روباه و داستان میوه فروش و روباه و غیره) نوعیت عمومی دارد؛ در صورتی که خواجوی کرمانی در «روضه الانوار» دوازده حکایت از اشخاص معروف دوره اسلامی (- حضرت جنید بغدادی، و حضرت ابوبکر

شیلی، و حضرت بایزید بسطامی، و حضرت حبیب عجمی، و حضرت حسن بصری، و حضرت ربیع بصری، و حضرت ابراهیم ادم، و سالدک تارک معاصر خواجو و ملک کرمیان معاصر خواجو و سلطان البارسلان و خلیفه مستعصم) و چهار حکایت از اشخاص معروف دوره قبل از اسلام (- ارسطو و سکندر و حامد طلایی و کسری و ابودرجمهر) آورده است؛ و فقط سه حکایت نوعیت عمومی دارد.

□ داستان‌های «مخزن الاسرار» بیشتر به جنبه اخلاقی گرایش دارد و بادهای هدف نظامی از ایراد داستانها تربیت اخلاقی عمومی خوانندگان بوده است؛ در صورتی که تمام داستانها و حکایات «روضه الانوار» بیشتر جنبه تصوف و اخلاق متصوفانه را دارد و خواجو از ایراد حکایات ظاهراً اهداف تربیت عرفانی و ایجاد اخلاق متصوفانه در خوانندگان را در نظر داشته است.

این نکته نشانگر ویژگی‌ها در تمایلات طبیعی و فکری هر دو شاعر بزرگوار است و دلالت بر این دارد که خواجوی کرمانی نسبت به نظامی گنجوی گرایش بیشتری به تصوف و اسلام داشته و در ذهن او استفاده از تعلیمات و نظرات و افکار و اعمال و اخلاقی مشاهیر اسلام بهتر و نافع تر از کسان دیگر متصور بوده است.

□ «روضه الانوار» به طور کلی، چنانکه در فوق اشارت کردیم، یک مثنوی عرفانی و اخلاقی است؛ و هدف شاعر از تألیف این نوع آثار این باشد که خوانندگان از ثمرات و فواید و نتایج کاوشهای فکری و تجارب روحی و محسوسات قلبی و مدرکات ذهنی مولف بهره‌ای هرچه بیشتر برده باشند، لهذا او در چنین تألیفی سبک و طرز سخن ساده و سریع الفهم را اختیار می‌کند؛ و با نگهداشتن محاسن ادبی و ذوقی زبان و بیان و بدیع، هدف ابلاغ را رعایت کرده کلام خود را از الفاظ و تراکیب مغلق و تعقیدات لفظی و معنوی پاک می‌دارد.

□ خواجو اگرچه در تقلید نظامی سبک شعر خود را از تمثیلات و تشبیهات عمده و استعارات و کنایات لطیف و صمیمت‌های گوناگون بدیع آراسته و مزین کرده - و شاید او در این مورد گوی سبقت از نظامی برده - ولی باز هم کلام او معمولاً صریح و روشن و از هرگونه پیچیدگی و اغلاقی ترکیبی پاک است.

□ خواجو بر زبان و بیان تسلط ماهرانه و قدرت استادانه دارد. او می‌تواند هم آهنگی الفاظ و معانی را به اقتضای مجاری کلام رعایت کند و در انتخاب الفاظ و کاربرد ترکیبات و محاورات شایستگی کامل را از خود نشان دهد؛ چنانکه از سیاق سخن پاره منعوت که در «روضه الانوار» با ابیات زیر آغاز می‌شود، عظمت شان و علو مرتبت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هویدا است:

گوسر او خاتم دست کرم
بوالبشر از خرمن او خوشه چین
دست رسالت زده در ساق عرش
همه کش مطبخ فضلش خلیل^ع
دُرِ یسیم صدق اصطفی
یاقته در منظر زنگار فام
گوهر جان طرف کسرتید او
بدره بدر از گهرش یک دم
شام فلک تخت ملاتک سپاه
شمع فروزنده ایوان راز
(الخ...)

□ از مختصات مهم سبک خواجو یکی دیگر اینست که طرز سخن او در موارد احتساب و انتقاد راست و رک است؛ و او بی پروا از این که مخاطب با کدام طبقه مردم تعلق دارد، از مقام بلندتر بدون تشخیص و تبعیض، از ناراستها و تقصیرات آنها ایراد می‌گیرد و با بی‌نیازی و استغنا جرأت‌مندانه حق علوم مرتبت خود را بجای می‌آرد. این طرز و روش ویژه خواجو در سراسر مثنوی مشاهده می‌شود؛ البته در مقابلت سیزدهم که در مکتب کبر است و در آن بیشتر یک پادشاه مورد ایراد و نصیحت قرار گرفته، لهجه او به تندی و شدت می‌گراید؛ چنانکه ابیات زیر از آغاز این مقالت حاکی از آنست:

ای شده فرور به اقبال و جاه
کرده درین پنجره ششدری
از سر نخوت به گه انتقام
وصف کین خوانی و گویی که گوی
گاه زنی لاف که بیژن که بود؟
گاه کنی تیغ که خورشید کو؟
گاه زنی طعنه که بهرام کیست؟

سرچه فرازی به سرسیر بلند
گر تو فرامرز تهمت تنی
گرچه قروز تو بود پور زال
ملک تو که ملکتر چشمیدی است
زانکه سریرت همه دارست و بند
بفکندت چرخ به روین تنی
دهر بدستان کسندت پامال
آخر کارش همه تو میدی است^۱

این گونه جرأت و رک گویی در «مخون الاسرار» نظامی هم به این تندی و شدت فوق العاده مشاهده نمی‌شود؛ و غالباً خواجو این طرز سخن بی‌باکانه را از سعدی و مولانا رومی الهام گرفته است.

□ خواجو در منظره نگاری و محاکات هم مهارت استادانه دارد. قوه تخیل او منظره‌های فطرت و طبیعت را کلاً و جزء طوری توصیف و تجسیم می‌کند که خواننده تصور تأثیر شدید آن قرار گرفته و ذوق زده وجود خود را از اجزای آن منظره و محیط متصور در ذهن شاعر محسوس می‌کند و از کیفیات و ادراکات ناشی از آن لذت می‌برد؛ چنانکه او در یک مورد منظره نمودار صبح را به شیوه خصوصی آمیخته با تشبیهات و استعارات و ترکیبات جالب چنین توصیف می‌نماید:

خسرو مشرق چو علم برکشید
سرخ گل صبح دمیدن گرفت
باغ فلک روضه انوار گشت
باو ختن نافه تاتار شد
ویس گلندام چه برشد پیام
رومی روز آتش دل برفروخت
چرخ سرخه گوهر بیست
گنبدش روزن پیروزه خشت
گشته هوای سحری مشک بیز
آتش خور در دل خارا گرفت
زمزمه بلبل و بانگر ریاب
بوی گل و پاد سحر هم نفس
□ چنانکه قبلاً به آن اشاره شد، ابیات مثنوی مملو از ترکیبات جالب مختلف انواع می‌باشد؛ و این هم از اختصاصات طرز سخن خواجو است که او برای ارائه یک مطلب القاب گوناگون مترج با تشبیهات و استعارات تازه و شیوای آورد؛ چنانکه بعضی از القابی که برای آفتاب آورده، بعنوان نمونه بدین قرار است:

رنگ ریز قرمزی، لعبت گیتی فروز، مهره فشان فلک حقه باز، خسرو مشرق، قادر خاور، طغرل زرین، طغرل طاووس، شیر سپهر، توسن زرکش، مجر زوبن، مشرقی، مرغ سبک، دیو سبک، چشمه آتش، ابلق سرکش، و غیره همین طور برای «آسمان» ترکیبات جالب زیر:

طبق چنبری، نیلی تنق، هفت طبق، چرخ زار خورد، طارم فیروز خشت، گنبد شش روزن، هفت خم لاجورد، نه بیضه، نه قفس آبنوس، نه بارگاه، طاق معلق، پیر هوانی، آب مدور، جوسق نیلی و غیره.

و برای «جهان» ترکیبات زیر:

گنبد شش روزن پیروزه خشت، منزل آب و گل، قفس ششدر، برده پیروزه، مزرعه ششدری، بارگه هشت کاخ، باغچه چنبری، مهره شش سوی، خرمن آتش، صحن مطبق، شش کارگاه، سرابده، ملک مشوش، ده ویران، فرش مطبق، مار منقش، خاک مشجر، مرتع خاک، مزرع خاک، خانه ششدر، دامن برخاک، دستگه سرسری، خانه شش روزه.

□ کاربرد فراوان ترکیبات اضافی دلکش و زیبا دلالت بر لطافت و علو ذوق و دقت نظر و رسایی ذهن خواجو دارد. کم ابیاتی است که از اضافه‌های تشبیهی و استعاری مرآ باشد. برخی از این نوع ترکیباتی که نمونه عمده‌ای از حسن و زیبایی و شیرینی و شیوایی کلام باشد و تازگی هم دارد، بقرای زیر است:

الف - اضافه تشبیهی: چمن طبع، آتش مهر، هدهد جان، طوطی دل، بحر نیم، بلبل طبع، خشت زره، تیغ خور، چمن دل، رمع عصا، آتش زره پیر خرد، مرغ روان، مزرع دل، درج بدن، جوهر جان، برده ابر، قلز احسان، خوان کرم، بحر ضمیر، تیغ زبان، مشعله فکر، آتش اندیشه، مصحف خاطر، اطلس چرخ، حرز خرد، قلز دست، مشعله مه، آتش قهر، مطبخ جود، مروحه خلق، باغ معانی، دیده دولت؛ ب - اضافه استعاری: درج بقا، کف جان، گرد فنا، جرعه جان، جان فرح، لاله تهلل، مشرب توفیق، مطبخ تعقیق، ارقم عصیان، کرگس طغیان، گردن گردون، حلقه دل، درجان، جنگ سحر، خون صراحی، پای عدم، سر هستی، چراغ دل، رأیت صبر، دست خواب؛

□ در سراسر مثنوی جسته جسته کار برد ترکیب عربی هم مشاهده می‌شود که عده‌ای از آنها بصورت تلمیح از آیات قرآنی و احادیث نبوی آمده و بر مطالعه دقیق قرآن و حدیث خواجو و بر تسلط او بر زبان عربی دلالت دارد. ابیات زیر نمونه عمده کاربرد ترکیبات عربی می‌باشد:

خون جگر در دل خصمت ز بیم
نکبت انفس تو «یحی العظام»
روز حلال تو مصون از زوال
در رو عرفان چو شدی راه جوی
چشوش برآورده «کفلی الحمیم»
خسبت درگاه تو «افسی المرام»
ملک تو محروس ز «عین الکمال»
مصرفت از «من عرف الله جوی»

□ مثنوی، مورد نظر علاوه بر ترکیبات متنوع و محاسن دیگر فوق الذکر، صنعتهای بدعی هم فراوان وجود دارد. ازین صنعتها، انواع مختلف جناس و ترصیع و موازنه و تضاد و عکس و تلمیح و تلمیح و سیاقه‌الاعداد و معنی بیشتر مرغوب و دلپسند خواجو بوده است. بعضی از آنها را بعنوان نمونه در ذیل می‌آوریم:

۱- تلمیح^{۱۱}: تلمیحاتی را که در اشعار مثنوی آمده، می‌توان بطور کلی به چهار دسته زیر تقسیم کرد:

۱-۱- اشخاصی: (الف) انبیا و رسول و فرشته: مانند حضرت نوح، حضرت سلیمان، حضرت ابراهیم خلیل‌الله، حضرت یوسف، حضرت موسی، حضرت عیسی، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله علیه و سلم؛ حضرت جبرئیل، روح القدس؛ چند بیت بعنوان مثال:

طوطی دل بلبیل بستان او^{۱۲}
 از هر هر «طوره» نگر «موسی»^{۱۳}
 سبزه «خضر» گشته و سوسن «کلیم»
 دست برافشان وز «دستان» مترس^{۱۴}
 یوسف مصصری زغلامان او^{۱۵}
 (ب) بزرگان اسلامی: مانند حضرت بلال، ادهم، مالک دینار، منصوره و غیره:

چند بیت بعنوان مثال:
 حلقه زن درگه مهرش «بلال»
 باغ فلک «روضه» انواره گشت^{۱۶}
 رأیت «منصوره» بجز دار نیست^{۱۷}
 (ج) مشاهیر اساطیری: و پیش از اسلام: مانند جمشید، ضحاک، گشتاسب، دستان، سام، زال، رستم، تهمتن، رولین تن، فریدون، سیاوش، نوشیروان، بهرام، وامق، عنرا و غیره

چند بیت بعنوان مثال:
 گلشن و گل روضه و رضوان بهم^{۱۸}
 چرخ همانست که توشین روان^{۱۹}
 «جام جم» از دست شد و «جم» نماند^{۲۰}
 رمح تو گشت ارقم «ضحاک» سوز^{۲۱}
 ۲-۱- آیات قرآنی: مانند:

از «لن الملک» چو آید خطاب^{۲۲}
 باز کشا نگرش «سازاغ» را^{۲۳}
 مصحف خاطره بگشودم تخت^{۲۴}
 مست شراب صندی بایزید^{۲۵}
 خون جگر در دل خصمت ز بیم^{۲۶}
 خصم تو اهرمین و تیرت «شهاب»^{۲۷}
 ۲-۱- احادیث نبوی: مانند:

شاه حبش آمده مولای او^{۲۸}
 لایق «ابیت» از سر مستی زده^{۲۹}
 یوسف مصر «اناملح» تونی^{۳۰}
 ۲-۱- متفرق: مانند:

مشک «خن» را ز «خت» باز دار^{۳۱}
 تا که ز ظلمات نیایی نجات^{۳۲}
 ملک شد «آئینه» اسکندری^{۳۳}
 عارف خود باش و «عارف» مخوان^{۳۴}
 ای که دم از ملک معانی زنی^{۳۵}

۲- ترصیع^{۳۶}: مثلاً:

آن قمر برج جلال آمده^{۳۷}
 مرغ معانی شده زان بانوا^{۳۸}
 آن بودت در شب تازی دلیل^{۳۹}

...
 ناصب ریهات هدایت شده^{۴۰}
 رائحه روضه روحانیان^{۴۱}

...
 مشتری برج بلند اختری^{۴۲}
 نوبتی بارگه کبریا^{۴۳}
 ۲-۱- موازنه^{۴۴}: مانند:

خرقه این پیر هوایی موش^{۴۵}
 دامن این آب مدور مگیر^{۴۶}
 رخس بر قله سرکش متاز^{۴۷}
 خاک درین مرتع خاکی مییز^{۴۸}
 همدم آن ارقم نه سر مشو^{۴۹}
 نه سر این مار به خنجر بزن^{۵۰}
 چشم براین چشمه جوشان منه^{۵۱}
 هاتف جان را هدف دل مکن^{۵۲}
 شیفته طبع مهندس مگرد^{۵۳}

۳-۲- سیاقه‌الاعداد^{۵۴}: این صنعت هم از مرغوبات خواجو است و از صنعتهایی است که در مثنوی حاضر بیشتر مورد توجه او بوده و با لطافت و زیبایی و ابتکار بکار رفته؛ چنانکه در موارد زیر:

(الف) جنین^{۵۵}: نه چرخ بدوران نمود^{۵۶}
 ششدر گیتی بجهت باز بست^{۵۷}
 (ب) هفت طبق بر سر نه کاسه زن^{۵۸}
 نه حرم هفت درش بارگاه^{۵۹}
 چهار ملک بلبیل بستان تو^{۶۰}
 نه حرم از چرخ برآراسته^{۶۱}
 ۲-۲- عکس^{۶۲}: مانند:

گل همه تن گشته و تن گل شده^{۶۳}
 بانگ براین توسین زرخش زدم^{۶۴}
 مایده زنده دلان فایده است^{۶۵}
 جسم روانست و روانست جسم^{۶۶}
 ۲-۳- اشتقاق^{۶۷}: مانند:

جز تو کسی مهدی این مهد کیست^{۶۸}
 شعیبه با چرخ شمشید میاز^{۶۹}
 دست بهم بر زن و چرخ بزن^{۷۰}
 خارجه خواهی گل خیری بجوی^{۷۱}
 ۲-۴- تشبیه حرفی^{۷۲}: مانند:

کاین فلک منحنی سالخورد^{۷۳}
 دستگم بین چو کف صوفیان^{۷۴}
 ۲-۵- تضاد^{۷۵}: مانند:

رنگ ازل تا ابد آمیخته^{۷۶}
 شهید شهود از لب جان کرده نوش^{۷۷}
 آتش نفرت زده در کفر و دین^{۷۸}
 در رو اسلام کمین ساخته^{۷۹}
 و آمده از عالم صورت بدر^{۸۰}
 ۲-۶- جناس^{۸۱}: مانند:

قله نشین گشته با مرش هلال^{۸۲}
 ظلمت ظلم از دل عالم بشت^{۸۳}
 جامه بر آتش نه و پیش ارجام^{۸۴}
 گوش برین گوشه محراب کن^{۸۵}
 در خم این هفت خم لاجورد^{۸۶}
 خرجه این پیر هوایی موش^{۸۷}
 برگ نیسایی و نیایی پیاغ^{۸۸}
 حال نه قال است که گفتن توان^{۸۹}
 نور الهی ز ملاحی مخواه^{۹۰}
 جام سلامت بملاست بخور^{۹۱}

۲-۷- معما: چنانکه در تاریخ ختم مثنوی «روضه‌الانوار» می‌فرماید:
 ۹-۲- روز «الف» بود که والادبیر^{۹۲}
 «بیم» زیادت شده بر «میم» و «ذال»^{۹۳}
 تیز سوار فلک تیز بی^{۹۴}
 تیغ زر از قله برافراخته^{۹۵}

یادداشتها

- ۱- مثنویات خمسة نظامی بدین قرار است:
 مخزن الاسرار (۵۷۰ هـ)
 خسرو و شیرین (۵۷۶ هـ)
 لیلی و مجنون (۵۸۴ هـ)
 هفت پیکر/بهرانامه (۵۹۲/۷ هـ)
 اسکندرنامه (۵۹۷ هـ)
- ۲- تاریخ ادبیات ایران تألیف رضازاده شفق چاپ تهران ۱۳۴۲: ص ۲۳۳-۴
- ۳- در ایران و شبه قاره بیش از صد نفر در پیروی نظامی گنجوی خسته نوشته‌اند. مرحوم استاد فقید سعید نفیسی در مقدمه دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی، هفتاد و دو نام از شعرای معروفی که خسته سرودند، ذکر کرده است. (مقدمه دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی بکوشش استاد سعید نفیسی: چاپ تهران ۱۳۳۸ ش: ص ۱۳۶-۷)
- ۴- مثنویات خمسة امیر خسرو دهلوی به قرار زیر است:
 مطلع الانوار (۶۹۸ هـ)
 شیرین و خسرو (۶۹۸ هـ)
 مجنون و لیلی (۶۹۸ هـ)
 آئینه سکندری (۶۹۹ هـ)
 هشت بهشت (۷۰۱ هـ)
- ۵- مقدمه دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی بکوشش استاد سعید نفیسی: ص ۱۳۶
- ۶- فهرست مطالب هر دو مثنوی - مخزن الاسرار و روضه‌الانوار - در آخر ضمیمه است.
- ۷- روضه‌الانوار تألیف خواجوی کرمانی با اهتمام ح. کوهی کرمانی: چاپ تهران ۱۳۰۶ هـ. ص ۱۷.
- ۸- ایضاً ص ۵ و ۶
- ۹- ایضاً ص ۴-۶
- ۱۰- ایضاً ص ۱۴
- ۱۱- ایضاً ص ۹

- ۱۱- ایضاً ص ۱۰
- ۱۲- روضة الانوار، ص ۱۱
- ۱۳- ایضاً ص ۲۵
- ۱۴- تلمیح: اشاره کردن شاعر در شعر به قصه‌ای یا مثلی معروف یا آوردن اصطلاح بعضی علوم در شعر.

- ۱۴- روضة الانوار، ص ۲
- ۱۵- ایضاً ص ۲۲
- ۱۶- ایضاً ص ۱۶
- ۱۷- ایضاً ص ۲۲
- ۱۸- ایضاً ص ۶
- ۱۹- ایضاً ص ۶
- ۲۰- ایضاً ص ۱۴
- ۲۱- ایضاً ص ۵۹
- ۲۲- ایضاً ص ۱۶
- ۲۳- ایضاً ص ۲۴
- ۲۴- ایضاً ص ۲۴
- ۲۵- ایضاً ص ۱۰
- ۲۶- ایضاً ص ۵: تلمیح به آیه «لمن الملك اليوم» (قرآن حکیم ۴۰: ۱۶)
- ۲۷- ایضاً ص ۷: تلمیح به آیه «ما زاغ البصر وما طغی» (قرآن حکیم ۵۳: ۱۷)
- ۲۸- ایضاً ص ۸: قرآن حکیم سوره ۹۱
- ۲۹- ایضاً ص ۲۹: تلمیح به آیه «یوم نقول لجهنم هل امتلات و نقول هل من مزید» (قرآن حکیم ۳۰: ۵۰)
- ۳۰- ایضاً ص ۹: تلمیح به آیه «ان شجرة الزقوم طعام الایم کالمهل یغلی فی البطن کغلی الحمیم» (قرآن حکیم ۴۴: ۴۴)
- ۳۱- ایضاً ص ۱۰: تلمیح به آیات «انا زینا السماء الدنيا بزینة الکواکب و حفظنا من کل شیطان مارد (تا) فانبه شهاب ناقب» - (قرآن حکیم ۳۷: ۶ تا ۱۰)
- ۳۲- ایضاً ص ۶: اشاره به «لولاک لما خلقت الافلاک».
- ۳۳- ایضاً ص ۷:
- ۳۴- ایضاً ص ۷:
- ۳۵- ایضاً ص ۲
- ۳۶- ایضاً ص ۵۲
- ۳۷- ایضاً ص ۶۴
- ۳۸- ایضاً ص ۸۴
- ۳۹- ایضاً ص ۹۴
- ۴۰- ترصیع آنست که در دو مصرع یا دو جمله الفاظ و کلماتی بیآورند که در وزن و سجع مطابق باشند.
- ۴۱- روضة الانوار ص ۶۰
- ۴۲- موازنه آنست که شاعر در دو مصرع از شعر کلماتی هموزن بیآورد.
- ۴۳- روضة الانوار ص ۳۵
- ۴۴- سیاقه اعداد آنست که شاعر در شعر اعداد مختلف بکار برد.
- ۴۵- روضة الانوار، ص ۲
- ۴۶- ایضاً ص ۴
- ۴۷- ایضاً ص ۶
- ۴۸- ایضاً ص ۷
- ۴۹- عکس آنست که شاعر کلماتی را که در یک مصرع یا نیم مصرع آورده در مصرع یا نیم مصرع دیگر قلب و مکرر کند.
- ۵۰- روضة الانوار ص ۱۳
- ۵۱- ایضاً ص ۱۵
- ۵۲- ایضاً ص ۹۲
- ۵۳- ایضاً ص ۲۷
- ۵۴- شاعر یا نویسنده کلماتی استعمال کند که از یک ماده مشتق شده باشد.
- ۵۵- روضة الانوار، ص ۲۸
- ۵۶- ایضاً ص ۳۵
- ۵۷- ایضاً ص ۲۸
- ۵۸- روضة الانوار، ص ۴۹
- ۵۹- تشبیه حرفی: مانند کردن کسی یا چیزی است به یکی از حروف، تهجی.
- ۶۰- روضة الانوار، ص ۵۱
- ۶۱- ایضاً ص ۵۵
- ۶۲- تضاد: بکار بردن کلمات ضد یکدیگر در نظم یا نثر.
- ۶۳- روضة الانوار، ص ۷۵
- ۶۴- جناس: بکار بردن کلمات شبیه یکدیگر در شعر.
- ۶۵- روضة الانوار ص ۱
- ۶۶- ایضاً ص ۵۰
- ۶۷- ایضاً ص ۵۷
- ۶۸- ایضاً ص ۸۰
- ۶۹- ایضاً ص ۱۸
- ۷۰- ایضاً ص ۳۵

- ۷۱- ایضاً ص ۸۰
- ۷۲- ایضاً ص ۲۶
- ۷۳- ایضاً ص ۲۶
- ۷۴- ایضاً ص ۲۶

فهرست مطالبِ مثنویاتِ «مخزن الاسرار» و «روضه الانوار»

روضه الانوار

- ۱- (آغاز)
- ۲- مناجات
- ۳- در نعت حضرت پیغامبر خاتم
- ۴- فی مدح مولى الاعظم شمس الملة و اللین محمدصاین
- ۵- در نظم کتاب روضة الانوار
- ۶- در سبب نظم کتاب و صفت ریاحین
- ۷- مقاله اول در بیان سخن
- ۸- حکایت طوطی که برجه صورت پارسی گوید
- ۹- مقاله دوم در مقامات اولیا.
- ۱۰- حکایت جنید و شبلی
- ۱۱- مقاله سوم در کمال بشریت
- ۱۲- حکایت سلطان البارقین بایزید در بیان وحدت
- ۱۳- مقاله چهارم در تنبیه و تهدید
- ۱۴- حکایت حبیب عجمی و حسن بصری
- ۱۵- مقاله پنجم در انقلاب امور
- ۱۶- حکایت ملک کرمان
- ۱۷- مقاله ششم (در خرد و آنتباه و انسان شناسی)
- ۱۸- حکایت حبیب عجمی و آن مستوجب القتل
- ۱۹- مقاله هفتم در احوال نفس متکلم
- ۲۰- حکایت فرشته‌ای که در صخر سن خواب دیده بود.
- ۲۱- مقاله هشتم در شرح آیه عشق و مایهت مهر.
- ۲۲- حکایت مجنون که از لیلی خیر شنید.
- ۲۳- مقاله نهم در مطمح نظر و عدم التفات بملوثان
- ۲۴- حکایت ارسطو و شاه سکندر
- ۲۵- مقاله دهم در صفت پیری و غنیمت جوانی
- ۲۶- حکایت مطرب پیر و مناجات او
- ۲۷- مقاله یازدهم در مذمت دنیای دون.
- ۲۸- حکایت حسن بصری و رابعه
- ۲۹- مقاله دوازدهم در عقل و حیا
- ۳۰- حکایت ارسطو و صفت عقل و کیا.
- ۳۱- مقاله سیزدهم در مذمت کبر
- ۳۲- حکایت صیدالب اسلان
- ۳۳- مقاله چهاردهم در صفت کرم و سخا
- ۳۴- حکایت حاتم طایی و مردن او
- ۳۵- مقاله پانزدهم در صفت عالم وحدت
- ۳۶- حکایت در صفت حال خود گوید.
- ۳۷- مقاله شانزدهم در تصفیه خاطر
- ۳۸- حکایت ابراهیم ادهم
- ۳۹- مقاله هفدهم در صفت غرور
- ۴۰- حکایت سالک نازک که در آخر عمر به فسق مرد
- ۴۱- مقاله هیجدهم در صف آفرینش
- ۴۲- حکایت گل و صفت بهار
- ۴۳- مقاله نوزدهم در صفت توحید مردموحّد
- ۴۴- حکایت کسری و ابوزرجمهر
- ۴۵- مقاله بیستم در صفت انسان
- ۴۶- حکایت مستعصم و صفت مجرم یا او
- ۴۷- در خاتمه کتاب و دعای شمس الدین محمد صاین

مخزن الاسرار

- ۱- توحید
- ۲- مناجات اول در سیاست و قهر یزدان
- ۳- مناجات دوم در بخشایش و عفو یزدان
- ۴- در نعت رسول اکرم ص
- ۵- در معراج
- ۶- نعت اول
- ۷- نعت دوم
- ۸- نعت سوم
- ۹- نعت چهارم
- ۱۰- در مدح ملک فخرالدین بهرامشاه بن داؤد
- ۱۱- در خطاب زمین بوس
- ۱۲- در مقام و مرتبت این نامه
- ۱۳- در فضیلت سخن منظوم از منثور
- ۱۵- در توصیف شب و شناختن دل
- ۱۶- خلوت اول در پرورش دل
- ۱۷- نمره خلوت اول
- ۱۸- خلوت دوم در عشرت شبانه
- ۱۹- نمره خلوت دوم
- ۲۰- مقاله اول در آفرینش آدم
- ۲۱- داستان پادشاه نومید و آمرزش یافتن او
- ۲۲- مقاله دوم در اندرز شاه به محافظت عدل
- ۲۳- حکایت نوشیروان با وزیر خود
- ۲۴- مقاله سوم در حوادث عالم
- ۲۵- حکایت سلیمان با دهقان
- ۲۶- مقاله چهارم در رعایت از رعیت
- ۲۷- داستان پیرزن با سلطان سنجر
- ۲۸- مقاله پنجم در وصف پیری
- ۲۹- داستان پیر خشت‌زن
- ۳۰- مقاله ششم در اعتبارات موجودات
- ۳۱- داستان سگ و صیاد و روباه
- ۳۲- مقاله هفتم در فضیلت آدمی بر حیوانات
- ۳۳- داستان فریدون با آهو
- ۳۴- مقاله هشتم در بیان آفرینش
- ۳۵- داستان میوه فروش و روباه
- ۳۶- مقاله نهم در ترک مثنویات دنیوی
- ۳۷- داستان زاهد توبه شکن
- ۳۸- مقاله دهم در نمودار آخر الزمان
- ۳۹- داستان عیسی ع
- ۴۰- مقاله یازدهم در بیوفایی دنیا
- ۴۱- داستان مویذ صاحب نظر
- ۴۲- مقاله دوازدهم در وداع منزل خاک
- ۴۳- داستان در حکیم متنازع
- ۴۴- مقاله سیزدهم در نکوهش جهان
- ۴۵- داستان حاجی و صوفی
- ۴۶- مقاله چهاردهم در نکوهش غفلت
- ۴۷- داستان پادشاه ظالم با مراد راستگوی
- ۴۸- مقاله پانزدهم در نکوهش رشکبران
- ۴۹- داستان ملک‌زاده جوان با دشمنان پیر
- ۵۰- مقاله شانزدهم در چاپک‌روی
- ۵۱- داستان کودک مجروح
- ۵۲- مقاله هفدهم در پرستش و تجرید
- ۵۳- داستان پیر و مرید
- ۵۴- مقاله هیجدهم در نکوهش دورویان
- ۵۵- داستان جمشید با خاصکی محرم
- ۵۶- مقاله نوزدهم در استقبال آخرت
- ۵۷- داستان هارون الرشید با حلاق
- ۵۸- مقاله بیستم در وقاحت ابناء عصر
- ۵۹- داستان بلبل با باز
- ۶۰- انجام کتاب